

## تحلیل جامعه‌شناختی مسائل فرهنگی

### (مورد مطالعه: استان ایلام) ♦

علی فیض‌اللهی<sup>۱</sup>

خلیل کمربیگی<sup>۲</sup>

#### چکیده

**هدف:** این پژوهش با هدف تحلیل جامعه‌شناختی مسائل فرهنگی استان ایلام انجام شد تا در پرتو آن، مسائل فرهنگی را شناسایی و رتبه‌بندی کند. **روش:** رویکرد این پژوهش، از نوع مطالعات کیفی است و بر همین مبنا، شیوهٔ برساخت مسئله از طریق حضور کنشگران متعدد با دیدگاه‌های تخصصی متنوع در زمینهٔ امور فرهنگی در دستور کار قرار گرفت. از نظر شیوهٔ اجرا، در پژوهش حاضر از روش دلفی استفاده شده است و گردآوری و تحلیل پاسخهای شرکت‌کنندگان در دلفی در چهار راند انجام شده و برای ارزیابی کیفیت تحقیق از تکنیک اعتبار پاسخگو برای اعتماد‌پذیری و برای پایایی نیز از تکنیک انتقال‌پذیری و اجماع خبرگان استفاده شده است. **یافته‌ها:** از مهم‌ترین یافته‌های تحقیق، پایین بودن میزان مطالعه، کم‌توجهی به شایسته‌سالاری، تجمل‌گرایی، مصرف‌نمایشی، کاهش نشاط اجتماعی، نحیفی فرهنگ کار، سواد مدیریتی پایین مدیران، نومییدی، بالا بودن تعصبات قومی و زبانی و کم‌توجهی به نخبگان استان به عنوان مسائل فرهنگی قابل ذکرند. **نتیجه‌گیری:** اکثر مسائل فرهنگی استان با وضعیت جاری جامعه در سطح کلان همسو هستند و تعداد کمی از آنها منشأ محلی دارند.

**واژگان کلیدی:** روش دلفی، آسیب فرهنگی، مسئله فرهنگی، شورای فرهنگ عمومی، استان ایلام.

♦ دریافت مقاله: ۹۹/۰۸/۰۶؛ تصویب نهایی: ۹۹/۱۲/۰۵.

۱. دکتری جامعه‌شناسی، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسئول). نشانی:

ایلام؛ بلوار پژوهش، دانشگاه ایلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. نمابر: ۰۸۴۳۲۲۳۷۰۱۴ / Email: a.feizolahi@ilam.ac.ir

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، کارشناس راهبری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام، ایلام، ایران.

## الف) مقدمه

مجله تایم دهه اول این قرن را «دهه جهنم» نامیده است و جامعه‌شناسانی نظیر سرور (۲۰۰۹) نیز بر آن اند که «این دهه با ترور، جنگ، بلایای طبیعی، ورشکستگی اقتصادی، ترس، ناامنی، افول طبقه متوسط، اختلاف و کم‌رنگ شدن رؤیای آمریکایی تعریف شده است» (نقل از: ایترن و همکاران، ۲۰۱۰: ۲). فارغ از این ارزیابی که نوعی برآورد از مسائل جهانی و در مورد آخر با محوریت مشکلات جامعه آمریکا است، در واقع دیدگاه هر یک از انسانها نسبت به مسائل اجتماعی اغلب با تعصبات شخصی، سیاستها و ارزشها درهم آمیخته است. همه ما در یک جهان اجتماعی مملو از ارزشها زندگی می‌کنیم؛ از این رو، پرورش دادن رویکردی عینی نسبت به مسائل اجتماعی، بسیار دشوار است. باید اذعان داشت که تعریف مشکلات اجتماعی و یافتن راه‌های رضایت‌بخش دشوار است؛ زیرا «ساختار اجتماعی موجود و ارزشهای ما بر شرایط اجتماعی ای که آنها را به عنوان معضلات اجتماعی یا فرهنگی تعریف می‌کنیم، تأثیر می‌گذارند. تفاسیر متغیر، منجر به پیشنهاد راه‌های مختلف - و اغلب متناقض - می‌شود و گاهی اوقات تلاش برای حل یک مشکل باعث ایجاد مشکلات دیگری می‌شود» (باریلو، ۲۰۰۵: ۴) که به دلیل پیچیدگی و درهم‌تنیدگی مسائل فرهنگی با مسائل بی‌شمار دیگری در هر جامعه‌ای است. از این رو، درک و تفسیر و تعیین آنچه را که مسئله یا آسیب می‌نامند، متناسب با وضعیت موجود فرهنگی یک جامعه ارزیابی می‌شود. می‌دانیم که فرهنگ، مفهومی پیچیده و چندبعدی دارد. فرهنگ به ارزشها و مقدماتی در زندگی اشاره دارد که در برگیرنده اعتقادات، ایده‌ها، تفاسیر و هنجارهایی است که بدیهی پنداشته می‌شوند. فرهنگ پدیده‌ای جمعی است که بین گروهی از افراد نظیر ملتها، نواحی، سازمانها، مدارس، مساجد و خانواده‌ها مشترک است. از نظر تایلور، انسان‌شناس انگلیسی، فرهنگ در برگیرنده کلیت زندگی اجتماعی انسان است. هافستد آن را «برنامه‌ریزی جمعی ذهن می‌نامد که اعضای یک گروه یا دسته‌ای از مردم را از دیگران متمایز می‌سازد» (هافستد، ۱۹۹۱: ۵). شاین، فرهنگ را «الگوی مفروضات بنیانی مشترکی می‌داند که گروه آن را یاد می‌گیرد تا انسجام و یکپارچگی داخلی‌اش را به وسیله آن تحکیم بخشد. این مفروضات تا زمانی که همچنان معتبرند، به اندازه کافی کارکرد مثبت دارند. بنابر این، به اعضای جدید به عنوان شیوه درست فهمیدن، فکر کردن و احساس کردن درباره مسائل آموخته می‌شوند» (شاین، ۱۹۹۲: ۱۲). بنابر این، فرهنگ در هر جامعه‌ای، هم مولود و هم مولد و مقوم هستی اجتماعی آن است؛ زیرا یکی از اثرات محیط بر شخصیت فرد، ناشی از تأثیرات فرهنگی است که فرد در آن رشد یافته است. افراد متعلق به یک فرهنگ، ارزشها، عقاید، هنجارها و داوری‌های موجود در آن فرهنگ را می‌آموزند و در معرض درونی ساختن نظام هنجاری و نظام ایدئولوژیک آن قرار دارند.

در جوامع در حال گذاری مانند ایران که در ارتباط با جهان مدرن و مواجهه با تغییرات مکرر و برنامه‌های نوظهور مبتنی بر فناوری‌های جدید قرار دارد، نظام فرهنگی به طور دائم در معرض تغییرات

### 311 علی فیض‌اللهی و خلیل کمربگی

شگرف است و با نوعی از نابسامانی اجتماعی در سطوح خرد تا کلان مواجه می‌شود که این امر، زمینه را برای پیدایش گسستهای اجتماعی، فرهنگی و افزایش انواع مسائل و آسیبهای فرهنگی فراهم می‌کند و این آسیبها، تأثیرات و پیامدهای فراوانی در جنبه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، روحی و روانی، سیاسی و ... برای جامعه و فرد به دنبال دارند. بنابر این، همه کشورها به نوعی با مسائل آسیب‌زای فرهنگی و اجتماعی خاص خود مواجه‌اند و تنها میزان، کیفیت و همچنین نحوه مدیریت این آسیبها در کشورهای مختلف با هم متفاوت است. چنانکه در چند دهه گذشته، یکی از دغدغه‌های همیشگی و مستمر مسئولان کشور- فارغ از دیدگاههای سیاسی و ترجیحات ارزشی آنان- مسائل فرهنگی بوده است؛ زیرا «منابع هویت‌بخش کشتگران هر جامعه‌ای به‌طور وثیقی با ارزشها و ساختار فرهنگی آن جامعه گره خورده است؛ به طوری که حاکمیت وضع مطلوب بر ساختار فرهنگ، الگوهای مورد انتظار ذهنی و عینی رانزد سایر اجزای نظام اجتماعی به همراه دارد. فرهنگ هر جامعه‌ای به فراخور شرایط زمان و مکان، کم و بیش با مسائل و چالشهایی مواجه می‌شود» (حیبی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۲۵) و نحوه مواجهه جوامع مختلف با آسیبها و مسائل مختلف مبتلا به جامعه، به سطوح توسعه اقتصادی، باورهای فرهنگی و نظرگاههای ارزشی جامعه و قرارگاه و ایستارهای ایدئولوژیک و سیاسی مدیران و در یک نگاه علمی به لنزهای نظری علمی مورد استفاده در تحلیلها و برنامه‌ریزی‌ها در هر جامعه‌ای بستگی دارد. پس مشخص است که هر جامعه‌ای متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی خود، انواعی از رفتارها را در زمره آسیبها و مسائل فرهنگی تلقی کرده و بر همین سیاق با انحرافات و مشکلاتی روبه‌رو می‌شود که تأثیرات مخربی روی فرایند توسعه آن جامعه دارد. شناخت این عوامل می‌تواند مسیر حرکت جامعه را به سوی ترقی و پیشرفت هموار سازد؛ به طوری که علاوه بر درک عمل آنها و جلوگیری از تداوم آن عمل، با ارائه راه‌حلهایی به سلامت جامعه کمک کند. هر آسیب فرهنگی، هم به عنوان مشکل فردی و هم معضل اجتماعی تلقی می‌شود و عوامل فراوانی در ارتباط متقابل با یکدیگر منجر به پیدایش و گسترش آن آسیب می‌شوند. با توجه به هدف تحقیق که شناسایی مهم‌ترین مسائل و آسیبهای فرهنگی استان، تعیین اولویت، رتبه‌بندی و تعیین میزان سطح تحلیلی آنهاست؛ لذا مطالعه حاضر حول چند سؤال محوری تنظیم شده است که عبارتند از:

۱. مهم‌ترین مسائل و آسیبهای فرهنگی استان کدامند؟
۲. کدام دسته از مسائل و آسیبهای فرهنگی اولویت بیشتری برای حل شدن دارند؟
۳. مسائل و آسیبهای فرهنگی در استان بر اساس سطوح تحلیلی کلان، میانه و خرد در چه وضعیتی‌اند؟

## ب) مبانی نظری

### ۱. پیشینه تجربی

رفیعی و همکاران (۱۳۸۷) در مطالعه «مشکلات اجتماعی در اولویت ایران» که با استفاده از روش دلفی انجام شده و در آن نظرات ۴۱ نفر از مدیران، کارشناسان و صاحب‌نظران درباره مشکلات اجتماعی در اولویت در چهار مرحله جمع‌بندی شده است، نشان می‌دهند که ۱۵ مشکل در اولویت در ایران عبارتند از: اعتیاد، بیکاری، خشونت، بی‌اعتمادی اجتماعی، فقر اقتصادی، فساد، تبعیض اجتماعی، بی‌عدالتی در برخورداری از قدرت، نزول ارزشها، افزایش میزان جرایم، سیاستهای اقتصادی، معضل ترافیک، مسائل آموزش و پرورش، عدم رعایت حقوق شهروندی و نابرابری در اجرای قانون. در میان این مشکلات نیز اعتیاد، بیکاری، خشونت، بی‌اعتمادی، فقر و فساد در اولویت بالاتری قرار دارند.

در پیمایش ملی سرمایه اجتماعی کشور (وزارت کشور، ۱۳۹۴/الف)، وضعیت سرمایه اجتماعی در سطوح خرد تا کلان و نیز وضعیت اعتماد اجتماعی، تصور پاسخگویان از وجود عدالت و برابری و نیز ارزیابی آنان از رفتارهای ناهنجارانه مسئولان استان و ... بررسی شد که نتایج، بیانگر کم تا متوسط بودن انواع سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، عام‌گرایی و وجود عدالت و برابری و نیز ارزیابی بالا بودن رفتارهای منفی در بین مسئولان در استان بوده است.

مؤسسه آینده‌بان به عنوان یک مرکز آینده‌پژوهی، طی سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ بر اساس نظرخواهی از صاحب‌نظران، به روش دلفی، مهم‌ترین مسائل و آسیبهای اجتماعی، فرهنگی و ... ایران را در هر سال شناسایی کرده است. نتایج بیانگر این است که برخی از مسائل هر ساله به طور مداوم به عنوان مسئله و آسیب در خور توجه توسط کارشناسان و صاحب‌نظران مطرح بوده‌اند. تضاد و قطبی‌شدگی جامعه، زلزله در نهاد خانواده و شقوق مرتبط با آن، اعتیاد، احساس نابرابری اجتماعی، بیکاری، بحران کارآمدی نظام اداری، فساد گسترده و سیستمی، سرمایه اجتماعی و گریزانی از هنجارهای رسمی را می‌توان از آسیبهای پر تکرار و مداوم در رصد پنج‌ساله نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران کشور دانست.

علی‌محمدی (۱۳۹۲) آسیبهای فرهنگ دینی در استان را ناشی از عملکرد نامناسب نهادهای اجتماعی می‌داند. برای مثال، نقش روشهای تبلیغ و ناکارآمدی هیئات مذهبی را در حوزه نهاد دین، عملکرد مسئولان و نگرش توده‌های مردم بدانها را در حوزه نهاد سیاست و بُعد نظارت و نگرش و آموزش دینی در نهاد خانواده و نقش مربیان و روش و محتوا را در حوزه نهاد تعلیم و تربیت، در آسیب‌شناسی فرهنگ دینی مؤثر دانسته است.

جدول ۱: رویکردهای نظری عمده درباره مسائل فرهنگی

رویکرد	تلقی از جامعه	منشأ مسئله	چیستی مسئله فرهنگی	راه حل
کارکردگرایی	جامعه را به مثابه نظامی از اجزای متقابلاً به هم پیوسته‌ای می‌بیند که برای حفظ ثبات با یکدیگر کار می‌کنند. نظام یک حالت تعادل «بهنجار» دارد و هنگام اختلال، اجزای نظام برای بازگرداندن نظام به حالت تعادل تلاش می‌کنند.	عملکرد غیرشخصی، نهادهای اجتماعی، شکست انتظارات، ایجاد بی‌هنجاری، تعارض و تفکیک فرهنگی	مسئله فرهنگی نوعی از هم‌گسیختگی در نظام فرهنگی و محصول کژکارکردی نهادهای فرهنگی است.	اقدام به تحقیق و مداخله فعال برای بهبود نهادهای اجتماعی؛ ایجاد سازمانهای جدید برای مقابله با مسائل اجتماعی
تضاد	جامعه را همچون مشخصه‌ای می‌بیند که مشحون از تضادهای ناشی از نابرابریها در طبقه، نژاد، قومیت، جنسیت، سن و دیگر تمایزاتی است که ارزشهای متضاد را تولید می‌کنند. شرایط مادی زندگی ما چگونه اندیشیدن و عمل ما را تعیین می‌کند.	گروههایی با ارزشهای متفاوت و مقادیر متفاوتی از قدرت، مواجه شده و رقابت می‌کنند. مسائل ناشی از نابرابری طبقاتی، نژادی و جنسیت (فمینیسم) است.	مسئله فرهنگی ناشی از شرایط ناسازگار با ارزشهای جامعه است. عناصری از فرهنگ در راستای تکوین و بازتولید فرهنگ سلطه عمل می‌کنند.	ایجاد جنبشهای اجتماعی قوی تر در میان گروهها همراه با ادعاها (شکایات)، ممکن است گروههای در حال تضاد مبادرت به مذاکرات کرده و به توافقات دوجانبه‌ای دست یابند.
تعامل گرایی	نظام اجتماعی فراورده‌ای اجتماعی است که محصول تعریف، تعبیر و تفسیر کنشگران اجتماعی است و یک وضعیت همیشه وابسته به فرایند و زمینه ارتباطی کنشگران است.	تفاسیر متفاوت از نقشها؛ برچسب‌زنی به افراد، گروهها یا رفتارها به عنوان منحرف؛ تعریف یک وضعیت عینی به عنوان یک مسئله فرهنگی	تفسیر منفی افراد از یک مقوله فرهنگی و برچسب زدن بر آن، تلقی یک وضعیت به عنوان تخلف از انتظارات و مقررات	ساختن نظام اجتماعی کمتر متصلب، کاهش تأثیر بدنام‌سازی؛ اصلاح تعریف آنچه به عنوان مسئله اجتماعی تعریف شده است و از بین رفتن سودانگ‌زنی.
برساخت گرایی	برساخت‌گرایان اجتماعی از یک نگاه کلی تر تعامل گرایی یا انگ‌زنی، بر آنند که واقعیت اجتماعی متکی بر تعبیر کنشگران و تفسیر فعالیت‌های جمعی آنهاست و احتمال از جامعه نیز چنین تعبیری دارند.	ادعاسازی، مطالبه، شکایت و قهمل بین نلایکن و پاسخگویان به مطالبات آنها، فعالیهای تعریف مسه که مردم هنگام تلاش برای جوان نارضایتی‌ها بلدان مشغولند	وضعیت‌هایی که به لحاظ فرهنگی، پر دردسر و گسترده و قابل تغییر یا نیازمند تغییر تعریف شده‌اند.	راه حل ارائه نمی‌دهد و آن را در گرو تحقیق می‌داند.

### 314 ♦ تحلیل جامعه‌شناختی مسائل فرهنگی (مورد مطالعه: استان ایلام)

منبع: تلفیقی از: کورنبلام و همکاران (۲۰۱۲)؛ مونی و همکاران (۲۰۱۲)؛ تیو (۲۰۰۵: ۱۶۴)؛ رابینگتن و واینبرگ (۵۱: ۱۳۸۳)؛ معیدفر (۲۰۸: ۱۳۹۴-۲۰۶)؛ استولی (۲۰۰۵: ۱۲۴-۱۲۳).

### ۲. جمع‌بندی و چارچوب مفهومی

بر اساس دیدگاه کارکردگرایی، در هر جامعه‌ای چهار خرده‌نظام فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وجود دارد که هر کدام از آنها با اتکا به قواعد و هنجارهای اجتماعی مورد توافق جامعه «به تولید چهار نوع منبع ارزشمند نظیر سرمایه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یا به تعبیری؛ دانش و معرفت، تعهد، قدرت و ثروت می‌پردازند و کنشگران مطابق با این قواعد عام، کنشهای جمعی یا فردی خویش را برای دستیابی به این منابع ارزشمند، ساماندهی می‌کنند» (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۱). مطابق چنین انگاره‌ای، هر نوع تخطی از این قواعد توسط کنشگران یا ناتوانی خرده‌نظامها در تولید منابع ارزشمند موصوف، آسیب‌زا و مسئله‌تلقی می‌شود. در این دیدگاه، مسئله فرهنگی محصول قصور یا ناتوانی خرده‌نظام فرهنگی در تولید دانش و معرفت یا سرمایه فرهنگی شامل ارزشها و هنجارهای اجتماعی جهت‌بخش و راهنمای کنشگران بر سر دوراهی‌های ارزشی است. در چنین وضعیتی، وجود مشکل در سامانه فرهنگی جامعه منجر به این می‌شود که سایر خرده‌نظامها نظیر خرده‌نظام شخصیتی، در برآورده ساختن اهداف اجتماعی و هدف‌یابی ناتوان بوده یا عملکردش به تخریب سرمایه سیاسی موجود و بسط خاص‌گرایی در زمینه تحقق اهداف فردی پردازد. در حوزه اجتماع، ایجاد بی‌اعتمادی، بی‌تفاوتی و مسئولیت‌ناپذیری اجتماعی و نیز فقدان مرجعیت ارزشی در نظام اجتماعی و نیز نابسامانی سرمایه اقتصادی، گسترش نابرابری‌ها و اختلال در سازگاری و انطباق خرده‌نظام اندام‌واره با سایر خرده‌نظامهای اجتماعی نشانه آن است.

دیدگاه تضاد نیز بر آن است که روبنا یا روساخت، در برگیرنده نهادهای حقوقی، سیاسی، ایدئولوژی‌ها، فلسفه‌ها و شیوه‌های تفکر است که بازتاب زیرساخت اقتصادی‌اند و فرهنگ نیز در زمره روبناها و نوعی ایدئولوژی است که دستپخت نظام سلطه است و به صورت هدفمند در جهت حفظ و بسط منافع گروه‌های مسلط عمل می‌کند. نظام سلطه، هم خالق فرهنگ است و هم مهار فرهنگ را در اختیار دارد و در قالب نوعی از ایدئولوژی کاذب و غیر راستین، روایت طبقه حاکم را از سنتها و خلیقات خاص بر توده‌های مردم تحمیل می‌کند و لذا مسئله فرهنگی ناشی از نابرابری در وضع هنجارهای فرهنگی است؛ به نحوی که بسیاری از ارزشها و هنجارهای فرهنگی در راستای تکوین و بازتولید فرهنگ سلطه وضع شده یا عمل می‌کنند.

به نظر کنش متقابل‌گرایان، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و نیز نهادهای اجتماعی، محصول کنشهای متقابل اعضای جامعه‌اند و از آن جمله، بنیادهای فرهنگ است که ریشه در تفاسیر کنشگران دارد و مسئله فرهنگی محصول تفاسیر و ارزیابی منفی کنشگران اجتماعی از بک وضعیت خاص یا بک مقوله فرهنگی

برچسب منفی زدن بر آن به مثابه تخلف از انتظارات اجتماعی یا ناشی از فرهنگ‌پذیری و اجتماعی شدن ناقص است.

به طور کلی، در مطالعه حاضر مسئله فرهنگی محصول ناکارآمدی اجزای قلمروهای فرهنگ یا ناهماهنگی بین اجزای قلمرو فرهنگ با یکدیگر و با الگوهای فرهنگی است که منجر به پدیده مسئله فرهنگی می‌شود و توسط مشارکت کنندگان در این تحقیق نیز به عنوان مسئله فرهنگی بر ساخت شده است.

### ج) روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، در حیطه تحقیقات اکتشافی دسته‌بندی می‌شود؛ زیرا هدف تحقیق، شناسایی مسائل فرهنگی استان است. از همین رو، از روش دلفی به عنوان روشی مناسب برای کسب اطلاعات از گروهی از خبرگان و مدیران استان برای شناسایی و اولویت‌بندی مسائل و آسیب‌های اجتماعی استان استفاده شده است. انتخاب این روش در این مطالعه مبتنی بر دلایلی است که شایسته توضیح‌اند: روش دلفی نوعی مصاحبه گروهی بسیار ساختاریافته است که با هدف به دست آوردن پاسخهایی متکی بر اجماع گروهی از متخصصان استفاده می‌شود. همچنین اغلب در جایی که پیچیدگی و تحقیقات گذشته کمی وجود دارد، استفاده می‌شود (استوری و همکاران، ۲۰۰۱). در این روش، با هدف دستیابی به اجماع بین گروه، از فرایند پرسشنامه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. چهار ویژگی کلیدی روش دلفی عبارتند از: «گمنامی، تکرار، کنترل کردن بازخورد و تجمیع آماری پاسخهای گروه» (رووه و رایت، ۱۹۹۹: ۳۷۴). منحصر به فرد بودن دلفی با توجه به متغیر بودن نظر انسان و در توانایی اداره از راه دور و بدون تعامل مستقیم شرکت کنندگان، بر قابلیت اطمینان آن می‌افزاید.

در اولین مرحله، محقق با استفاده از پرسشهای باز پاسخ، قضاوتهای خبرگان منتخب را گردآوری کرد و پس از گردآوری داده‌ها و استخراج پرسشنامه راند اول، پرسشنامه مرحله دوم بر اساس نظرات و قضاوتها یا پاسخهای اعضای گروه، به شکل پرسشنامه بسته پاسخ طراحی و برای اعضای گروه مجدد ارسال شد که در هر بار تکرار پرسشنامه، بازخورد کنترل شده‌ای ارائه می‌شد که از طریق آن، اعضای گروه از نظرات همکاران ناشناس خود مطلع می‌شدند. در فاصله هر بار تکرار، بازخوردها با عنوان محاسبه ضریب توافق یا اجماع خبرگان پرسشنامه پالایش شده بسته پاسخ نظیر راندهای قبلی طراحی و ارسال می‌شد و بسته به امکانات و اهداف تحقیق، این راندها ادامه می‌یافت. لذا می‌توان گفت در این روش، با حذف تأثیر سخنوری افراد، همه نظرات و عقاید جمع‌آوری و پس از تحلیل به مشارکت کنندگان بازگردانده می‌شود. بدین ترتیب، «گمنامی» و «بازخورد نظرات» دو عنصر ضروری در روش دلفی تلقی می‌شوند. یکی از مزایای این روش این است که کارشناسان و متخصصان، زمانی که به واسطه دلایل قانع کننده به اشتباه بودن

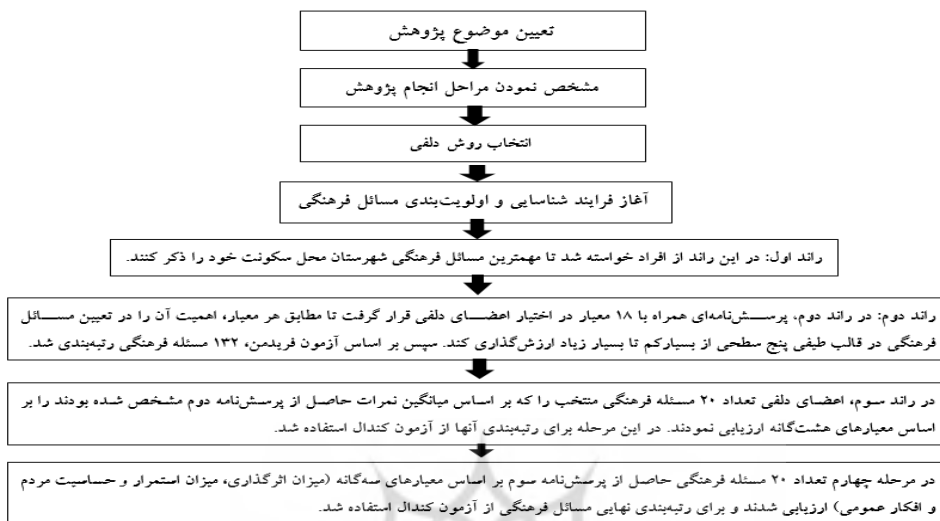
### 316 ♦ تحلیل جامعه‌شناختی مسائل فرهنگی (مورد مطالعه: استان ایلام)

نظر خود پی بردند، بدون از دست دادن اعتبار و وجهه‌شان می‌توانند در نظرات خود تجدید نظر کنند. (ناظمی و قدیری، ۱۳۸۵)

استفاده از دلفی، مستلزم برنامه‌ریزی دقیق و ماهرانه برای انتخاب مشارکت‌کنندگان، تدوین پرسشنامه‌ها و تهیه بازخوردهاست. دلفی نسبتاً زمان‌بر است. افت نرخ پاسخ‌دهندگان ممکن است زیاد باشد و متقاعد کردن افراد به پرکردن پرسشنامه‌های متوالی مشکل است. پس از روشن شدن موضوع، کار انتخاب اعضای پانل دلفی بر اساس تخصص افراد در حوزه مسائل فرهنگی انجام و با استفاده از روشهای مختلف، از جمله اطلاعات دستگانه‌های اجرایی و روش گلوله‌برفی و بالحاظ کردن شرایط بوم‌شناختی، اقدام به تهیه فهرستی ۱۳۷ نفره از افراد مختلف شناخته‌شده صاحب‌نظر و متخصص در حوزه مسائل و آسیبهای فرهنگی شد. سپس با توجه به ملاکهای تخصصی، تیمی متشکل از ۵۵ نفر از صاحب‌نظران را به عنوان تیم مشارکت‌کننده انتخاب کردیم و در نهایت تعداد ۵۰ نفر آمادگی خود را برای شرکت در پژوهش اعلام کردند. پرسشنامه اولیه در اختیار گروهی از متخصصان قرار گرفت تا سوء تعبیرهای احتمالی از سؤالات طراحی شده برطرف شود. در نهایت، تعداد ۴۷ مشارکت‌کننده پرسشنامه را تکمیل و در اختیار پژوهشگران قرار دادند. تیم دلفی (ناظر) نتایج حاصل از پرسشنامه اول را جمع‌آوری و پس از جمع‌بندی داده‌ها از طریق نرم‌افزار، آنها را در قالب پرسشنامه‌ای دسته‌بندی شده تنظیم کرد و با هماهنگی ناظران پژوهش، در اختیار مشارکت‌کنندگان گذاشته شد.

در پرسشنامه دوم، معیارها و مسائل فرهنگی در بخشهایی مجزا و در قالب طیف پنج‌سطحی لیکرت در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت. تیم دلفی (ناظر) در کمترین زمان ممکن، داده‌های حاصل از پرسشنامه دوم را با استفاده از نرم‌افزار اس.پی.اس. جمع‌بندی و ضمن اولویت‌بندی معیارها و مسائل فرهنگی، معیارهای ارزیابی را بر اساس اولویت، انتخاب کرد و با توضیحات کامل در اختیار مشارکت‌کنندگان گذاشت. در این مرحله نیز پس از طی مدت زمانی، تعداد ۴۳ پرسشنامه جمع‌آوری شد. تیم دلفی (ناظر) پس از بررسی پرسشنامه، به علت عدم دقت سه تن از مشارکت‌کنندگان، پرسشنامه آنان را حذف کرد و در نهایت ۴۰ پرسشنامه برای بررسی انتخاب شد. اطلاعات حاصل از پرسشنامه سوم با کمک نرم‌افزار اس.پی.اس. مورد توصیف و اولویت‌بندی قرار گرفت و مهم‌ترین مسائل فرهنگی بر اساس اولویت‌بندی مشخص شده و راند چهارم نیز مطابق برنامه اجرا شد. نمودار اجرای روش دلفی در تحقیق حاضر در شکل ۱ ارائه شده است.





شکل ۱: نمودار راندهای مختلف دلفی

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر، ابتدا برای پردازش و تلخیص داده‌ها در قالب جداول، از آمار توصیفی شامل محاسبه شاخصهای مرکزی و پراکنندگی استفاده شد و برای محاسبه تفاوت میانگین رتبه ارزیابی، از مسائل مزبور از آزمون دلبیو کندال استفاده شد که به عنوان یک ضریب توافق، به سنجش میزان توافق رتبه‌ها در بین مشارکت‌کنندگان می‌پردازد. برای ارزیابی کیفیت تحقیق از تکنیک اعتبار پاسخگو برای اعتماد پذیری و برای پایایی نیز از تکنیک انتقال‌پذیری و اجماع خبرگان استفاده شد. نتایج آزمون دلبیو کندال نشان می‌دهد که آیا تفاوت در میانگین رتبه‌ها معنادار است یا خیر. آزمون دلبیو کندال، علاوه بر معناداری تفاوت یا عدم تفاوت میانگین رتبه، به اولویت‌بندی نیز می‌پردازد.

### (د) یافته‌ها

اطلاعات جدول ۲ بیانگر آن است که مشارکت‌کنندگان در راند اول، تعداد ۱۳۲ مسئله و آسیب فرهنگی را در سطح استان معرفی کرده‌اند که درصدهای مربوط به هر کدام از پیشنهادها در جدول آمده است. در این مرحله، مسائل و آسیبهای دارای همپوشانی با بقیه آسیبها، تعدیل یا حذف شده و مواردی را که می‌توانستیم در یک آسیب به صورت کلی و با موارد مشابه جای دهیم، ذیل یک مسئله یا آسیب آورده‌ایم.

318 ♦ تحلیل جامعه‌شناختی مسائل فرهنگی (مورد مطالعه: استان ایلام)

جدول ۲: نمونه مسائل فرهنگی مستخرج از راند اول (به ترتیب درصد از نظر پاسخگویان)

درصد	آسیب	درصد	آسیب	درصد	آسیب
۶	ضعف گفتگو در خانواده	۱۱	تقابل فرهنگی شمال و جنوب استان	۵۷	تجمل‌گرایی
۶	شیوع فرهنگ شایعه	۱۱	تعارض سبک زندگی سنتی و مدرن	۳۴	تعصبات قومی و زبانی
۶	سطحی‌نگری در حوزه فرهنگ	۱۱	تحصیل‌کردگان بیکار و بی‌مهارت	۲۹	پایین بودن میزان مطالعه
۶	زن‌سالاری	۱۱	بی‌حجابی و بدحجابی	۲۶	کم‌رنگ شدن ارزشهای دینی
۶	خیانت در امانت	۱۱	آسیبهای انتخاباتی	۲۳	رضایت پایین از زندگی
۶	تهمت و غیبت	۱۱	اختلافات قومی و طایفه‌ای	۲۳	آسیبهای فضای مجازی
۶	تقلید از سبک زندگی غربی	۱۱	پایین بودن سطح مدیریت هیجان	۲۳	ضعف فرهنگ کار
۶	تعارضات همسایگی	۹	مناسک‌گرایی دینی	۲۱	ریاکاری و دروغ
۶	ترجیح سلیقه مدیر در امر فرهنگ	۹	کمبود اعتبارات فرهنگی	۲۰	خودبرتنبینی فردی و گروهی
۶	بسدزبانی در روابط بین فردی	۹	کم توجهی به معتمدین محلی	۲۰	عدم شایسته‌سالاری
۶	از بین رفتن شاخصه‌های هویتی	۹	فقر فرهنگی	۲۰	سطح پایین سواد مدیریتی مدیر
۳	هنجار‌تراشی‌های جدید	۹	فرهنگ سکوت در جامعه	۲۰	پایین بودن آگاهی فرهنگی
۳	چندگانگی معیارهای فرهنگی	۹	شیوه نامناسب تبلیغ دینی	۱۷	عدم برخورد قاطعانه با مفاسد
۳	مسئله سبک زندگی	۹	ریا و نزول خواری	۱۷	تضاد گفتار با رفتار مسئولان
۳	نگاه کلام‌محور به فرهنگ	۹	پایین بودن منزلت زن	۱۷	پایین بودن میزان نشاط
۳	فرهنگ لجبازی	۹	تخریب محیط زیست	۱۴	نگاه سیاسی و امنیتی به فرهنگ
۳	کم‌سوادی دانشجویان و طلاب	۹	انزوای فرهنگی	۱۴	مدگرایی
۳	کم توجهی به هویت ملی	۶	نظم فردی و گروهی پایین	۱۴	مدرک‌گرایی
۳	کم توجهی به نخبگان فرهنگی	۶	فقر سواد رسانه‌ای	۱۴	کاهش احترام به والدین

علی فیض‌اللهی و خلیل کمربگی ♦ 319

۳	مشورت‌ناپذیری مدیران فرهنگی	۶	آشنایی اندک با ارزش زیست‌محیطی	۱۴	شکاف نسلی
۳	ضعف فرهنگ مالیاتی	۶	میزان بالای مصرف مواد آرایشی	۱۴	تقدیرگرایی و خرافه-گرایی
۳	کم‌توجهی به پژوهش فرهنگی	۶	مهوریت قرآن در فرهنگ عمومی	۱۴	انتقادناپذیری مدیران
۳	کاهش سنت وقف در جامعه	۶	کاهش وفاق اجتماعی	۱۴	توجه کم به ارزشهای اخلاقی
۳	کاهش توان اثرگذاری نخبگان	۶	کم‌کاری در ادارات	۱۱	ناآشنایی زوجین با حقوق نقشی
۳	فقدان اولویت‌بندی در زندگی	۶	کم‌توجهی دانشگاه به آسیب فرهنگی	۱۱	موازی کاری فرهنگی
۳	فرصت‌طلبی	۶	کم‌توجهی به زبان مادری در خانواده	۱۱	ریسک‌پذیری پایین
۳	فرزندسالاری	۶	ضعف اخلاق کار	۱۱	سستی پیوند فرهنگی در خانواده
۳	غلبه عرف بر قانون	۶	کمبود امکانات فرهنگی	۱۱	رعایت اخلاق در فعالیت سیاسی
۳	عهدشکنی	۶	عدم آگاهی از حقوق فردی و اجتماعی	۱۱	دلزدگی از نقش
۳	فرهنگ شهروندی	۶	ضعف مدیریت در حوزه فرهنگ	۱۱	دخالت مدیران ارشد در فرهنگ

اطلاعات جدول ۲، ۹۰ مورد از ۱۳۲ مسئله و آسیب فرهنگی اخذ شده از پرسشنامه راند اول را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول آمده است، متخصصان و صاحب‌نظران مشارکت‌کننده، در راند اول پژوهش، آسیبهای فرهنگی ای از قبیل تجمل‌گرایی، تعصبات قومی و زبانی، پایین بودن میزان مطالعه، کم‌رنگ شدن ارزشهای دینی، رضایت پایین از زندگی، آسیبهای فضای مجازی، ضعف فرهنگ کار، ریاکاری و دروغ، خودبرتربینی فردی و گروهی، عدم شایسته‌سالاری، سطح پایین سواد مدیریتی مدیران، پایین بودن آگاهی فرهنگی، عدم برخورد قاطعانه با مفاسد، تضاد بین گفتار و رفتار مسئولان، پایین بودن میزان نشاط و نگاه سیاسی، امنیتی به فرهنگ را به عنوان آسیبهای اول تا پانزدهم استان معرفی کرده‌اند و پس از آن تا ۱۳۲ مسئله و آسیب فرهنگی را شناسایی و اعلام کرده‌اند.

320 تحلیل جامعه‌شناختی مسائل فرهنگی (مورد مطالعه: استان ایلام)

جدول ۳: نمره میانگین و رتبه مسائل و آسیب‌های فرهنگی بر اساس معیارهای هجده‌گانه در راند دوم

رتبه	میانگین	رتبه	آسیب فرهنگی	رتبه	میانگین
۱	۱۱۰	۳۱	پایین بودن میزان مطالعه	۱	۷۹/۲۵
۲	۱۰۵/۰۸	۳۲	عدم شایسته‌سالاری	۲	۷۹/۹۵
۳	۱۰۳/۲۹	۳۳	تجمل‌گرایی	۳	۷۸/۷۷
۴	۱۰۱/۸۸	۳۴	پایین بودن میزان نشاط	۴	۷۸/۷۹
۵	۱۰۰/۷۳	۳۵	ضعف فرهنگ کار	۵	۷۷/۶۱
۶	۱۰۰/۱۴	۳۶	سطح پایین سواد مدیریتی مدیر	۶	۷۶/۲۲
۷	۹۸/۵۵	۳۷	رضایت پایین از زندگی	۷	۷۶/۱۶
۸	۹۷/۹۹	۳۸	عدم برخورد قاطعانه با مفسد	۸	۷۶/۰۴
۹	۹۶/۸۶	۳۹	تعصبات قومی و زبانی	۹	۷۵/۸۴
۱۰	۹۶/۷۶	۴۰	کم توجهی به نخبگان فرهنگی	۱۰	۷۵/۶۳
۱۱	۹۵/۳۵	۴۱	ریاکاری و دروغ‌مدیران و مردم	۱۱	۷۵/۰۶
۱۲	۹۳/۶۳	۴۲	تضاد گفتار با رفتار مسئولان	۱۲	۷۴/۵۶
۱۳	۹۲/۵۶	۴۳	تحصیل‌کردگان بیکار و بی‌مهارت	۱۳	۷۴/۲۲
۱۴	۹۰/۹۹	۴۴	پایین بودن سواد و آگاهی فرهنگی	۱۴	۷۳/۷۹
۱۵	۹۰/۴۵	۴۵	ضعف گفتگو در خانواده	۱۵	۷۳/۷۰
۱۶	۹۶/۸۹	۴۶	نگاه سلیبی و لمتی به حوزه فرهنگ	۱۶	۷۳/۵۹
۱۷	۸۷/۷۳	۴۷	مدرک‌گرایی	۱۷	۷۲/۶۴
۱۸	۸۶/۳۵	۴۸	عارض سبک زندگی سستی و مدرن	۱۸	۷۲/۲۶
۱۹	۸۶/۲۵	۴۹	سستی پیوند فرهنگی در خانواده	۱۹	۷۲/۱۸
۲۰	۸۵/۸۶	۵۰	ترجیح سلیقه مدیر در امر فرهنگ	۲۰	۷۰
۲۱	۸۵/۵۰	۵۱	رعایت اخلاق در فعالیت سیاسی	۲۱	۶۹/۸۳
۲۲	۸۴/۹۸	۵۲	آسیب‌های فضای مجازی	۲۲	۶۹/۳۴
۲۳	۸۴/۱۰	۵۳	موازی‌کاری فرهنگی	۲۳	۶۹/۱۶
۲۴	۸۳/۷۱	۵۴	کم‌کاری در ادارات	۲۴	۶۸/۹۹
۲۵	۸۳/۴۵	۵۵	کمبود امکانات فرهنگی	۲۵	۶۸/۷۵
۲۶	۸۳/۰۹	۵۶	فقر فرهنگی	۲۶	۶۸/۵۱
۲۷	۸۱/۱۶	۵۷	شکاف نسلی	۲۷	۶۸/۰۱
۲۸	۷۹/۹۳	۵۸	کمبود اعتبارات فرهنگی	۲۸	۶۷/۳
۲۹	۷۳/۶۹	۵۹	ضعف مدیریت در حوزه فرهنگ	۲۹	۶۷/۲۸
۳۰	۷۹/۶۵	۶۰	فقر سواد رسانه‌ای	۳۰	۶۷/۲۲

### علی فیض‌اللهی و خلیل کمربگی ♦ 321

بر اساس اطلاعات جدول ۳، در راند دوم، پرسشنامه‌ای در دو بخش جداگانه در اختیار افراد قرار داده شد. در بخش اول پرسشنامه، فهرست و تعریف معیارها یا ضوابط پیشنهاد شده توسط مشارکت‌کنندگان در مرحله اول، به منظور اولویت‌بندی آسیبها در اختیار آنان گذاشته شد تا در مقابل هر ضابطه یا معیار، اهمیت آن را در تعیین آسیبهای فرهنگی در قالب طیفی پنج سطحی، از بسیار کم تا بسیار زیاد ارزشگذاری کنند. پس از رتبه‌بندی معیارها و مسائل فرهنگی، بر اساس معیارهای ۱۸ گانه حاصل از دلفی، ۱۳۲ مسئله فرهنگی احصا و رتبه‌بندی شد. اطلاعات جدول ۳، نمره میانگین و رتبه ۱۳۲ مسئله و آسیب فرهنگی را که از پرسشنامه راند اول اخذ شده بودند نشان می‌دهد. مطابق جدول، متخصصان و صاحب‌نظران مشارکت‌کننده، در راند دوم پژوهش، آسیبهای فرهنگی پایین بودن میزان مطالعه، عدم شایسته‌سالاری، تعجیل‌گرایی، پایین بودن میزان نشاط، ضعف فرهنگ کار، سطح پایین سواد مدیریتی مدیر، رضایت پایین از زندگی، عدم برخورد قاطعانه با مفاسد، تعصبات قومی و زبانی، کم‌توجهی به نخبگان فرهنگی، ریاکاری و دروغ‌مدیران و مردم، تضاد گفتار با رفتار مسئولان، تحصیل‌کردگان بیکار و بی‌مهارت، پایین بودن سواد و آگاهی فرهنگی، ضعف گفتگو در خانواده، نگاه سیاسی و امنیتی به حوزه فرهنگ، مدرک‌گرایی، تعارض سبک زندگی سنتی و مدرن، سستی پیوند فرهنگی در خانواده و ترجیح سلیقه مدیران در امر فرهنگ را به عنوان مسئله و آسیبهای اول تا بیستم استان معرفی کرده‌اند. همچنین آنها بر این عقیده بودند که آسیبهایی چون: عهدشکنی، ترک تحصیل، زن‌سالاری و لجبازی، در ردیفهای آخر فهرست آسیبهای ۱۳۲ گانه قرار دارند.

322 ♦ تحلیل جامعه‌شناختی مسائل فرهنگی (مورد مطالعه: استان ایلام)

جدول ۴: رتبه‌بندی و اولویت‌بندی مسائل فرهنگی بر اساس معیارهای هشت‌گانه در راند سوم

آسیب	فراوانی	میانگین استاندارد	انحراف	حداقل	حداکثر	میانگین کندال
عدم برخورد قاطعانه با مفاسد	۴۰	۴/۴۴۶۹	۰/۵۳۳۲۶	۳/۱۳	۵	۱۶/۷۵
عدم شایسته‌سالاری	۴۰	۴/۲۴۰۶	۰/۵۷۸۳۱	۳/۱۳	۵	۱۴/۹
بیکاری و غرملر بودن تحصیل‌کردگان	۴۰	۴/۲۱۹	۰/۵۷۴۴	۲/۹	۵	۱۴/۲۸
کم توجهی به نخبگان و سرمایه‌های علمی و فرهنگی	۴۰	۴/۱۳۷۵	۰/۵۲۶۳۹	۳	۵	۱۳/۹۸
پایین بودن میزان نشاط و تخلی در جامعه	۴۰	۴/۱۰۶۲	۰/۶۵۴۴۷	۲/۶۳	۵	۱۳
تضاد بین گفتار و رفتار در بین مدیران و مسئولان	۴۰	۴/۱۰۹۴	۰/۶۳۴۹۸	۲/۸۸	۵	۱۲/۸۵
سستی فرهنگ کار و تلاش	۴۰	۳/۹۷۵۰	۰/۶۴۲۵۱	۱/۵	۵	۱۲/۱۳
رضایت پایین از زندگی	۴۰	۳/۹۴۰۶	۰/۶۱۸۲۲	۲/۶۳	۵	۱۱/۶
سطح پایین سواد مدیریتی مدیران استان	۴۰	۳/۹۲۸۱	۰/۵۷۳۷۹	۲/۷۵	۵	۱۱/۲
ترجیح سلیقه مدیران در امور فرهنگی	۴۰	۳/۶۹۰۶	۰/۶۸۲۸۶	۱/۸۸	۵	۹/۷۵
رواج ریاکاری و دروغ‌مدیران و مردم	۴۰	۳/۷۵۰۰	۰/۷۸۴۹۸	۲/۱۳	۵	۹/۶۵
مدرک‌گرایی در مراکز آموزشی اعم از حوزه و دانشگاه	۴۰	۳/۶۷۸۱	۰/۶۰۸۳۶	۲	۵	۹/۲۶
پایین بودن میزان مطالعه	۴۰	۳/۶۱۲۵	۰/۵۴۴۳۵	۲/۵	۴/۶۳	۸/۹۹
پایین بودن آگاهی فرهنگی	۴۰	۳/۶۷۸۱	۰/۶۰۱۰۷	۲/۷۵	۴/۶۳	۸/۹۶
نگاه سیاسی و امنیتی به حوزه فرهنگ	۴۰	۳/۵۸۷۵	۰/۸۴۷۴۱	۱/۸۸	۵	۸/۶
ضعف گفتگو در خانواده	۴۰	۳/۵۰۶۲	۰/۷۸۹۵۳	۱/۱۳	۴/۷۵	۷/۹
سستی پیوند فرهنگی در خانواده	۴۰	۳/۴۸۱۳	۰/۶۲۲۴۶	۱/۸۸	۴/۶۳	۷/۴۹
غلظت تعصبات قومی و زبانی	۴۰	۳/۵۹۴۲	۰/۷۱۷۹۰	۲	۵	۷/۲۵
تجمل‌گرایی و مصرف‌نمایشی	۴۰	۳/۱۷۱۹	۰/۷۶۵۶۹	۱	۴/۵	۶/۵۳
تعارض بین سبک زندگی سنتی و مدرن	۴۰	۳/۰۰۰۰	۰/۸۹۶۹۳	۱	۴/۳۸	۴/۹۵

در مرحله سوم بر اساس هشت معیار برگزیده از بین معیارهای هجده‌گانه که بر اساس میانگین نمرات حاصل از پرسشنامه دوم مشخص شده بودند، برای تعیین مهم‌ترین آسیبها و نیز گزینش تعداد ۲۰ مسئله و آسیب فرهنگی اقدام شده است و در این ارزیابی ۲۰ مورد از مهم‌ترین مسائل و آسیبهای فرهنگی بر اساس میانگین کندال اولویت‌بندی شده‌اند. نتایج حاصل از تلخیص و جمع‌بندی و رتبه‌بندی آسیبها در قالب جدول فوق عرضه شده است.

جدول ۵: رتبه‌بندی آسیب‌های فرهنگی بر اساس سه معیار برگزیده در راند چهارم

رتبه	میانگین نمره کندانال	عنوان آسیب فرهنگی
۱	۱۰/۰۱	رواج ریاکاری و دروغ در بین مدیران و مردم
۲	۹/۷۴	کم توجهی به نخبگان و سرمایه‌های علمی و فرهنگی
۳	۹/۶۷	کمبود امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی
۴	۹/۱۱	مدرک گرایی و ضعف مهارت تخصصی تحصیل کردگان
۵	۹/۰۲	آسیب‌های فرهنگی ناشی از فضای مجازی
۶	۸/۲۳	سستی فرهنگ کار و تلاش در جامعه
۷	۷/۸۹	ساده‌انگاری در فهم و مقابله با آسیب‌های فرهنگی از سوی متولیان و مدیران
۸	۷/۷۸	ضعف گفتگو و ارتباط درون خانوادگی
۹	۷/۴۲	ضعف تحمل و مدارای اجتماعی
۱۰	۷/۴	نگاه سیاسی و امنیتی به حوزه فرهنگ
۱۱	۷/۱	غلظت تعصبات قومی و زبانی
۱۲	۷/۰۵	پایین بودن سواد و آگاهی فرهنگی
۱۳	۶/۸۵	سطح نازل رعایت حقوق و اصول شهروندی فرهنگی
۱۴	۶/۴۷	تجمل گرایی و مصرف‌نمایشی (ضعف مدیریت خرج)
۱۵	۶/۲۷	پایین بودن میزان مطالعه آزاد (غیردرسی)

در مرحله چهارم بر اساس سه معیار برگزیده (میزان اثرگذاری و پیامد، میزان استمرار و تداوم، فوریت حل شدن) از بین معیارهای هشت‌گانه که بر اساس میانگین نمرات حاصل از پرسشنامه سوم مشخص شده بودند؛ برای تعیین مهم‌ترین آسیب‌ها و نیز گزینش تعداد ۱۵ مسئله و آسیب فرهنگی اقدام شده است و در این ارزیابی ۱۵ مورد از مهم‌ترین مسائل و آسیب‌های فرهنگی بر اساس میانگین کندانال اولویت‌بندی شده‌اند. نتایج حاصل از تلخیص و جمع‌بندی و رتبه‌بندی آسیب‌ها در قالب جدول ۵ عرضه شده است.

جدول ۶: دسته‌بندی مسائل و آسیب‌های فرهنگی بر اساس سطح تحلیل و حوزه مرتبط

جمع	حوزه		جمع	سطح خرد	سطح میانه		سطح کلان	
	مدیریت فرهنگی	فرهنگ عمومی			نهادی	محلی		
۱۳۲	۶۷	۶۵	۱۳۲	۱۱	۴۰	۱۰	۷۱	فراوانی
۱۰۰	۵۱/۸	۴۹/۲	۱۰۰	۸/۴	۳۰/۳	۷/۶	۵۳/۷	درصد

### 324 ♦ تحلیل جامعه‌شناختی مسائل فرهنگی (مورد مطالعه: استان ایلام)

همان‌گونه که اطلاعات جدول ۶ نشان می‌دهد، ۵۳/۷ درصد از آسیب‌های فرهنگی استان در سطح کلان و ۷/۶ درصد در سطح میانه- محلی قرار دارند که احتمالاً منشأ محلی داشته باشند و ۳۰/۳ درصد نیز مربوط به سطح میانه- نهادی و ناشی از کارکرد یکی از نهادهای اجتماعی اصلی اولیه یا نهادهای اجتماعی ثانویه جامعه‌اند. همچنین، ۸/۳ درصد از آسیب‌های فرهنگی در سطح خرد و به عبارتی مرتبط با کنشگران فردی است که می‌تواند ریشه در عناصر فرهنگی ملی یا محلی یا ویژگی‌های فردی داشته باشد. اطلاعات جدول همچنین نشان می‌دهد که ۵۱/۸ درصد از مسائل فرهنگی مطرح شده، در حوزه فرهنگ عمومی و ۴۹/۲ درصد مربوط به حوزه مدیریت فرهنگی اند. جدول ۷، سطوح تحلیل و واحد تحلیل مسائل شناسایی شده را نشان می‌دهد.

#### جدول ۷: مسائل و آسیب‌های فرهنگی دارای اولویت حل بر اساس سطح تحلیل و واحد تحلیل

مسائل فرهنگی	واحد تحلیل	سطح تحلیل
مدرک‌گرایی و ضعف مهارت تخصصی تحصیل‌کردگان، آسیب‌های فرهنگی ناشی از فضای مجازی، کم‌توجهی به نخبگان و سرمایه‌های علمی و فرهنگی، سستی فرهنگ کار و تلاش در جامعه، ساده‌انگاری در فهم و مقابله با آسیب‌های فرهنگی، نگاه لهیتی به حوزه فرهنگ	ساختار	کلان
رواج کنشهای ریاکارانه و دروغ در جامعه، ضعف گفتگو و ارتباط درون خانوادگی، کمبود امکانات و زیرساختهای فرهنگی، ضعف تحمل ومدارای اجتماعی، غلظت تعصبات قومی و زبانی، تجمل‌گرایی و مصرف‌نمایشی (ضعف مدیریت خرج)	سازمان/ نهاد	میانه
پایین بودن سواد و آگاهی فرهنگی، سطح نازل رعایت حقوق و اصول شهروندی فرهنگی، پایین بودن میزان مطالعه آزاد (غیردرسی).	گروه	خرد

#### ه) بحث و نتیجه‌گیری

می‌دانیم که فرهنگ هر جامعه‌ای به فراخور شرایط زمان و مکان، کم و بیش با مسائل و چالشهایی مواجه می‌شود و نحوه مواجهه جوامع مختلف با آسیبها و مسائل مختلف مبتلابه جامعه به سطح توسعه‌یافتگی، باورهای فرهنگی و نظرگاههای ارزشی جامعه و قرارگاه و ایستارهای ایدئولوژیک و سیاسی مدیران و در یک نگاه علمی به‌لنزه‌های نظری علمی مورد استفاده در تحلیلها و برنامه‌ریزی‌ها در هر جامعه بستگی دارد. البته باید متذکر شد که تعیین موضوعی به عنوان مسئله و از همه مهم‌تر نحوه پاسخ به مسئله‌ها، حکایت از حداقل دو نوع نگرش به موضوعات فرهنگی دارد که می‌توان مطابق آن، فرهنگی را که بتواند به پرسشهای زمانه پاسخهای درست، متناسب و مناسب



با زمانه و مبتنی بر اصول و سنت‌های اصیل جامعه ارائه دهد، فرهنگ پیشرو نماید و بر عکس آن را فرهنگ پیر و نماید که از پاسخ به پرسش‌های زمانه عاجز است و آن را از دیگری تمنا می‌کند. لذا با چنین تعابیر متفاوتی از نگرش به فرهنگ و نگرش به سیاست فرهنگی و انتظار از متولیان فرهنگی و ارزیابی جریان‌های فرهنگی در یک جامعه مواجه‌ایم که همچنانکه پیش‌تر اشاره شد، داوری و قضاوت درباره مسئله‌مندی و پروبلما تیک فرهنگ، اجتماع و سیاست رابسی دشواری می‌سازد؛ زیرا فرض کنید در نظر داریم که بر اساس یک طیف، نوع و درجه حل شوندگی مسائل فرهنگی و اجتماعی را مشخص کنیم، چنانچه در هر سر طیف مسائلی را قرار دهیم که از لحاظ ویژگی‌های مشترک دارای جامعیت و مانعیت باشند، آنگاه با دو نوع از مسائل مواجه خواهیم بود: نخست، مسائلی که ساختار مشخصی دارند و اصطلاحاً ساختاریافته‌اند و می‌توان تا حد نسبتاً زیادی شکل‌بندی آنها را باز شناخت و فرمول‌بندی کرد و متناسب با ساختار آنها و فرمول‌بندی ارائه شده توسط محققان و با استفاده از نظر متخصصان و مطلعان کلیدی، راه حل یا راه‌حلهایی را برای حل آنها ارائه کرد. به اینگونه مسائل اصطلاحاً مسائل سخت گفته می‌شود؛ زیرا از نظر منشأ و ابعاد تشکیل دهنده و پیچیدگی ساختاری‌شان، خیلی پیچیده نیستند و از همین رو، آنها را مسائل ساختاریافته هم می‌نامند. در سویه دیگر این طیف، مسائل نرم قرار می‌گیرند که برخلاف مسائل سخت، دارای ابعاد متعدد و پیچیدگی‌های زیادی‌اند و به سختی فرمول‌بندی می‌شوند و دارای لایه‌های متعددی‌اند و با دیگر مسائل اجتماعی دارای درهم‌تنیدگی هستند و لذا حل آنها مستلزم کنکاش فراوان برای باز شناسی و زمان طولانی‌تر برای حل شدن و اصلاح است و مسائل فرهنگی شناسایی شده در این تحقیق عمدتاً از سنخ مسائل نرم‌اند. از سوی دیگر، مرتن در نقد معیار مسئله‌مند بودن یک موضوع بنا به قضاوت مردم، بین دو دسته از مسائل تفاوت قائل شده است. وی مسائلی را که اصولاً مغایر با ارزش‌های جاری جامعه است اما مردم فعلاً درکی از مسئله بودن آن ندارند را مسائل پنهان می‌نامد. ویژگی بارز مسائل پنهان این است که عمدتاً پیامد یا کارکرد ناخواسته و پنهان عملکرد سیاستمداران و کنش‌های انسانی‌اند و در خلال مدت زمان زیادی ممکن است همگان بر مسئله بودن آنها وقوف یابند و شناخت و پیش‌بینی وقوع آنها در توان متخصصان و خبرگان جامعه است نه همگان. مرتن آن دسته از مسائل را که توسط مردم به عنوان مسئله شناسایی می‌شوند را مسائل آشکار می‌نامد و از این نظر هم، مسائل فرهنگی عمدتاً از سنخ مسائل پنهان محسوب می‌شوند. شاید بتوان گفت مسائل فرهنگی آن نوع از مسائلی‌اند که مدیریت و سیاستگذاری آنها به دلیل پیچیدگی زیاد، ناکارآمدی‌های بوروکراتیک و ... کامیاب نبوده است و بنا به ویژگی‌های ذیل بتوان آنها را در زمره مسائل بدخیم محسوب کرد: ۱. درهم‌تنیدگی متقابل، چند علتی و دشواری تعریف‌پذیری آنها، ۲. پیش‌بینی‌ناپذیری راه‌حلهای، ۳. پویایی و تغییر مداوم، ۴. دارای پیچیدگی اجتماعی و ذی‌نفعان بی‌شمار، ۵. نیازمند مساعی همگانی برای حل شدن، ۶. هیچ قاعده‌ای برای توقف ندارند، ۷. کاربست راهکارها تابع قاعده الزاماً مشخصی نیست، ۸. هر مسئله منحصر به فرد است و انتقال راه‌حلهای الزاماً درست نیست، ۹. علل یک مسئله را می‌توان به روش‌های مختلفی تبیین کرد، ۱۰. هر اشتباه برنامه‌ریزان تاوان

### 326 ♦ تحلیل جامعه‌شناختی مسائل فرهنگی (مورد مطالعه: استان ایلام)

بر همین اساس، دربارهٔ مسائل فرهنگی تلقیهای مختلفی وجود دارد:

- انکار وجود مسئلهٔ فرهنگی؛
- نگاه بازاری داشتن به مقولهٔ فرهنگ و محصولات فرهنگی؛
- نگاه نظامی و امنیتی داشتن به عرصهٔ فرهنگ و تجلیات و فراورده‌های فرهنگی عمدتاً در بخش غیر رسمی یا اصطلاحاً عمومی و مردمی فرهنگ؛
- نگاه آسیب‌شناسانه؛
- نگاه علمی مبتنی بر پارادایمهای مختلف و نظرگاه‌های متعدد.

چنانکه اشاره شد، خوشبختانه حتی صرف انجام چنین تحقیقاتی نشان از پذیرش و نه رد و انکار مسائل در استان دارد؛ اما با وجود منسوخ بودن دیدگاه آسیب‌شناسی به مسائل و انحرافات اجتماعی در رشتهٔ جامعه‌شناسی، در سطح سازمانهای اداری ایران همچنان چنین رویکردی نسبت به مسائل اجتماعی وجود دارد. تأکید صرف بر آسیب‌شناسی و جستجوی راه‌حلهای معطوف به درمان یکه‌انگاران، موجب سلطهٔ پزشکان، مهندسان و روان‌شناسان بر بسیاری از عرصه‌های تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و اجرایی در سازمانهای متولی آسیبهای فرهنگی به طور عام و به طور خاص مسائل اجتماعی شده است و تا چنین نگرش و پارادایمی مسلط است، حل و تخفیف مسائل فرهنگی - اجتماعی نامحتمل است؛ زیرا به جای تأکید بر شناخت ساختارهای مسبب مسئله، انحراف و جرم، بر یک عامل منفرد متمرکز می‌شوند. منفرد تلقی کردن مسائل فرهنگی و پزشکی شدن آن، به اصلاح فرایندها و بسترها و مناسبات اجتماعی منجر نمی‌شود و البته چنانکه قبلاً نیز اشاره شد، نحوهٔ مواجههٔ جوامع مختلف با آسیبها و مسائل مختلف مبتلابه جامعه به سطوح توسعه، باورهای فرهنگی و نظرگاههای ارزشی جامعه و قرارگاه و ایستارهای سیاسی مدیران و در یک کلام نگرش‌های نظری مورد استفاده در تحلیلها و برنامه‌ریزی‌ها در هر جامعه‌ای بستگی دارد و وجود مسائل فرهنگی در استان تا حدودی قابل انتظار است؛ زیرا تغییرات سریع ارزشهای اجتماعی و از همه مهم‌تر جهت‌های متفاوت و گاه متضاد تغییرات ارزشی در چند دههٔ اخیر، افزایش و تداوم شکاف طبقاتی در جامعه ناشی از، یا تثبیت و تشدید شده، توسط برنامه‌های موسوم به توسعه توسط دولتهای قبل و بعد از انقلاب بر افزایش مسائل اجتماعی و فرهنگی در جامعه مؤثر بوده است.

بیشتر پژوهشهای تجربی انجام‌شده در سالهای اخیر، حاکی از پیدایش گسلها و تعمیق شکافهای اجتماعی در جامعه است (صیادی و همکاران، ۱۳۸۸؛ دینی ترکمانی، ۱۳۸۵). دگرگونی ارزشی و تغییرات در میزان اهمیت ارزشهای مادی در جامعه، افزایش میزان اهمیت پول و ثروت و رشد زیاد فردگرایی (محسنی، ۱۳۷۶؛ غفاری، ۱۳۸۷؛ موسوی، ۱۳۸۵) و ارزیابی منفی شهروندان از سازمانهای دینی، بازار و دولت (وزارت کشور، ۱۳۹۴/الف)، دال بر آسیب‌زا بودن شرایط است. مسائل فرهنگی مطرح‌شده در این تحقیق، بیشتر مبتنی بر ذهنیت و

پنداشته‌ها و نظرات متخصصان و مطلعان کلیدی است و البته به دلیل اشراف صاحب‌نظران بر مسائل و روندهای فرهنگی در استان و نیز همخوانی بسیاری از مسائل شناسایی‌شده در این مطالعه با اولویتهای اعلام‌شده تحقیقاتی در دهه گذشته و نیز نتایج بسیاری از تحقیقات ملی نظیر پیمایش ملی سرمایه اجتماعی (همان)، پیمایش آسیبهای اجتماعی کشور (وزارت کشور، ۱۳۹۴/ب) و تحقیقات انجام‌گرفته در استان، در مواردی هم‌راستا با داده‌های عینی و شواهد و در مواردی احتمالاً دارای فاصله اندکی باشند که بنا به مقتضیات این تحقیق قابل پذیرش است.

نتایج مطالعات مؤسسه آینده‌بان در سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ بیانگر این است که برخی از مسائل از جمله: تضاد و قطبی‌شدگی جامعه، تزلزل در نهاد خانواده و گریزانی از هنجارهای رسمی، از آسیبهای پرتکرار و مداوم در رصد پنج‌ساله نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران کشور بوده است. الماسی و همکاران (۱۳۹۳) وضعیت شادکامی و نشاط اجتماعی در استان را در شرایط مطلوبی ارزیابی نکرده‌اند و میزان آن را در حد متوسط و متوسط به پایین گزارش کرده‌اند. همچنین هزارگریبی و مرادی (۱۳۹۶) بر آن‌اند که در ایلام، شالوده‌های همستگی اجتماعی تضعیف شده و کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی گرم، رضایت‌بخش و حمایت‌گرانه کاهش یافته و همراه با این فرایند، مشکلات اقتصادی نیز در تشدید کاهش شادکامی تأثیرگذار بوده‌اند. علی محمدی (۱۳۹۲) آسیبهای فرهنگ دینی در استان را ناشی از عملکرد نامناسب نهادهای اجتماعی می‌داند. فیض‌اللهی و کمربگی (۱۳۹۹) نیز دریافتند که میزان شیوع ریاکاری در استان بالاست و همچنین نتایج پیمایشهای ملی انجام گرفته در دو دهه اخیر به شیوع رفتارهایی نظیر ریاکاری، دروغگویی، تملق و چاپلوسی، رواج پول‌پرستی و از این قبیل رفتارها اذعان داشته‌اند. چنانکه توجه به رواج دروغگویی و دورویی به عنوان یک مشکل رفتاری در طول تاریخ ایران به دفعات اشاره شده است. حبیبی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی اکتشافی نشان داده‌اند که مهم‌ترین مسائل فرهنگی در ایران عبارتند از: نفوذ فرهنگی، مدیریت ناکارآمد فرهنگی، رواج فرهنگ برهنگی، تزلزل نهاد خانواده و دروغگویی. تحلیل مسائل فرهنگی شناسایی‌شده در این تحقیق نیز حاکی از این است که بیش از نیمی از مسائل و آسیبهای فرهنگی استان مرتبط با وضعیت جاری جامعه در سطح کلان است و کمتر از یک سوم آنها مربوط به سطح میانه-نهادی و محلی‌اند که یا ناشی از کژکارکردی یک نهاد اجتماعی اولیه یا ثانویه‌اند یا احتمالاً منشأ محلی دارند و تعداد بسیار کمی از آنها مرتبط با ویژگی‌های کنشگران فردی است که می‌تواند ریشه در عناصر فرهنگی ملی یا محلی داشته‌باشد. همچنین، نتایج نشان می‌دهند که بیشتر مسائل و آسیبهای فرهنگی استان در سطح کلان قرار دارند و عمدتاً به ساختار فرهنگی کل جامعه ایران مرتبط‌اند و به ندرت منشأ محلی دارند و با روند کلی تحولات و آسیبهای فرهنگی کل کشور ارتباط دارند و ارائه هر گونه راه حل برای آنها منوط به سیاستگذاری عمومی ملی است تا محلی و در مرتبه و سطح دیگری نیز مرتبط با مدیریت امور فرهنگی در سطح نهادهای اجتماعی است.

## 328 ♦ تحلیل جامعه‌شناختی مسائل فرهنگی (مورد مطالعه: استان ایلام)

نتایج تحقیق همچنین بیانگر این نتیجه کلی است که ریشه بسیاری از مسائل اجتماعی و فرهنگی کنونی در خارج از نظام سیاسی قرار ندارد و نقش نظام سیاسی در جهت‌گیری‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه مشهود است؛ زیرا دولت به عنوان نهاد عمده اجتماعی در جامعه ایران، بیشتر اوقات به دلیل تأکید نادرست و تحلیل ایدئولوژیک پدیده‌های اجتماعی دچار یک نوع «ناتوانی نهادی» در زمینه حل مسائل اجتماعی شده است و در قالب‌هایی تصمیم‌سازی کرده است که حتی مانع استفاده از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی نهاد‌های مدنی می‌شود و به تبع همواره بر پیدایش، تعدد و تشدید مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نیز بر ناتوانی جامعه افزوده شده است و ناکارآمدی دولت‌ها و آمارانه بودن سیاستگذاری‌ها هم بر شدت آن افزوده است.

### پیشنهاد‌های تحقیق

نتایج بررسی حاضر، منجر به شناسایی موضوعات، مسائل و آسیب‌های اجتماعی متعددی شده است که هر کدام از آنها بسته به حوزه مفهومی و موضوعی، گستره شیوع، منشأ وقوع و محدوده سازمانی، میدان رشته‌ای و ... زمینه‌های متنوع و متعددی را از حیث بحث، تحلیل علمی و برنامه‌ریزی سازمانی و ... پیش روی ما قرار می‌دهند که شایسته تأمل اند. با این وجود، توجه به پیشنهاد‌های یل لازم است:

۱. تحلیل اطلاعات حاصل از این مطالعه، نشان از وجود مسائل فرهنگی مرتبط با عملکرد نهاد‌های اجتماعی دارد و نشان می‌دهد که برخی از نهاد‌های اجتماعی نظیر تعلیم و تربیت، خانواده و سیاست، دچار اختلال اند یا استحکام آنها در حال فرسایش است. لذا یک راه حل برای اصلاح این روند، رعایت اصول تقسیم کار نهادی در زمینه فرهنگ و تقویت و کارآمد ساختن این نهادهاست.

۲. کمبود امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی، یکی از مسائل مورد تأکید متخصصان و صاحب‌نظران فرهنگی استان بوده است. لذا توزیع عادلانه امکانات فرهنگی، به ویژه کالاها، سرمایه و اعیان فرهنگی و نیز تخصیص عادلانه بودجه‌های فرهنگی می‌تواند به عادلانه‌تر کردن وضعیت و کاهش نابرابری‌ها کمک کند.

۳. غلظت تعصبات قومی و زبانی، محصول توزیع نامتناسب اقتدار، فرصت‌های تحرک اجتماعی نظیر استخدام در دستگاه‌های اداری و کم‌توجهی به شایسته‌سالاری است که لازم است فرصت‌های تحرک اجتماعی، اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، عادلانه توزیع شود تا نقش اقتدار قبیله‌ای، قوم‌گرایی، پارتی‌بازی و ... کم‌رنگ شود. در این راستا، شایسته‌سالاری و دقت در گزینش شایسته‌سالارانه کارکنان و انتخاب مدیران، امری مطلوب خواهد بود.

۴. تجمل‌گرایی و مصرف‌نمایی، هم در سطح ملی و هم در سطوح محلی معضلی است که نیازمند تدارک برنامه‌های فرهنگی مرتبط با مدیریت خرج در خانواده است.



### منابع

- آینده‌بان(۱۳۹۳). آینده‌پژوهی ایران ۱۳۹۳. تهران: انتشار دیجیتال. <http://www.ayandeban.ir/>
- آینده‌بان(۱۳۹۴). آینده‌پژوهی ایران ۱۳۹۴. تهران: انتشار دیجیتال. <http://www.ayandeban.ir/>
- آینده‌بان(۱۳۹۵). آینده‌پژوهی ایران ۱۳۹۵. تهران: انتشار دیجیتال. <http://www.ayandeban.ir/>
- آینده‌بان(۱۳۹۶). آینده‌پژوهی ایران ۱۳۹۶. تهران: انتشار دیجیتال. <http://www.ayandeban.ir/>
- آینده‌بان(۱۳۹۷). آینده‌پژوهی ایران ۱۳۹۷. تهران: انتشار دیجیتال. <http://www.ayandeban.ir/>
- الماسی، مسعود(۱۳۹۳). «احساس شادکامی دختران شهر ایلام و عوامل مرتبط با آن». *مطالعات زنان*، ش ۱۲(۱): ۳۰-۷.
- حبیبی، یدالله؛ یاور عیوضی و ابراهیم معظمی گودرزی(۱۳۹۶). «مسئله فرهنگی و مسئله‌شناسی فرهنگی ایران». *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ش ۷(۴): ۵۵۰-۵۲۵.
- دینی ترکمانی، علی(۱۳۸۵). «تیین افول سرمایه اجتماعی». *رفاه اجتماعی*، ش ۶(۲۳): ۱۷۲-۱۴۷.
- راینکنن، ارل و مارتین واینبرگ(۱۳۸۳). *رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی*. ترجمه رحمت‌الله صدیق سروسستانی. تهران: دانشگاه تهران، چ دوم.
- رفیعی، حسن؛ سعید مدنی قهفرخی و مروثه وامقی(۱۳۸۷). «مشکلات اجتماعی در اولویت ایران». *جامعه‌شناسی ایران*، ش ۹(۲-۱): ۲۰۸-۱۸۴.
- صیدایی، سید اسکندر؛ محمدعلی احمدی شاپورآبادی و حسین معین‌آبادی(۱۳۸۸). «دیبچه‌ای بر سرمایه اجتماعی و رابطه آن با مؤلفه‌های توسعه در ایران». *راهبرد یاس*، ش ۶(۱۹): ۲۲۵-۱۸۸.
- عبداللهی، محمد(۱۳۸۳). «آسیبهای اجتماعی و روند تحول آن در ایران». *مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیبهای اجتماعی در ایران*، جلد یکم. تهران: آگه.
- علی‌محمدی، طاهر و بهروز سپیدنامه(۱۳۹۲). *شناسایی و اولویت‌بندی آسیبهای فرهنگی دینی در استان ایلام*. ایلام: اداره کل تبلیغات اسلامی استان ایلام.
- غفاری، غلامرضا(۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم». *مجموعه مقالات نخستین همایش پیشگیری از جرم*. تهران: دفتر تحقیقات کاربردی، ۲۸۹-۲۶۳.
- فیض‌اللهی، علی و خلیل کمربگی(۱۳۹۹). *دلایل رواج کنشهای ریاکارانه*. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام.
- محسنی، منوچهر(۱۳۷۶). «نگرشها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران». *نمایه پژوهش*، ش ۱(۲): ۲۹-۲۶.
- معیدفر، سعید(۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*. همدان: نور علم، چ چهارم.
- موسوی، میرطاهر(۱۳۸۵). «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی». *رفاه اجتماعی*، ش ۶(۲۳): ۹۲-۶۷.

330 ♦ تحلیل جامعه‌شناختی مسائل فرهنگی (مورد مطالعه: استان ایلام)

- ناظمی، امیر و روح‌الله قدیری (۱۳۸۵). *آینده نگاری از مفهوم تا اجرا*. تهران: مرکز صنایع نوین.
- وزارت کشور (۱۳۹۴/الف). *سنجش سرمایه اجتماعی کشور: استان ایلام*. تهران: مرکز ملی رصد اجتماعی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، دفتر طرح‌های ملی.
- وزارت کشور (۱۳۹۴). *وضعیت مسائل و آسیب‌های اجتماعی استان ایلام*. تهران: مرکز ملی رصد اجتماعی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، دفتر طرح‌های ملی.
- هزارجریبی، جعفر و سجاد مرادی (۱۳۹۶). «درک شهروندان از معانی و تعاریف شادکامی». *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۸ (۳۳): ۱۳۷-۷۹.
- Abdoulahi, Mohammad (2004). **“Social Injuries and Its Evolution in Iran”**. *Proceedings of the First National Conference on Social Injuries in Iran, Vol. I*. Tehran: Agah.
- Ali Mohammadi, Taher & Behrooz Sepidnameh (2013). **Identifying and prioritizing the harms of Religious Culture in Ilam Province**. General Organization of Islamic Propaganda of Ilam province.
- Almasi, Massoud (2014). **“The feeling of happiness of girls in Ilam and its related factors”**. *Quarterly Journal of Women Studies*, 12(1): 7-30.
- Ayandehban (2014). **Ayandehpajoohi Iran 2014**. Tehran: digital publication. <http://www.ayandeban.ir/>
- Ayandehban (2015). **Ayandehpajoohi Iran 2015**. Tehran: digital publication. <http://www.ayandeban.ir/>
- Ayandehban (2016). **Ayandehpajoohi Iran 2016**. Tehran: digital publication. <http://www.ayandeban.ir/>
- Ayandehban (2017). **Ayandehpajoohi Iran 2017**. Tehran: digital publication. <http://www.ayandeban.ir/>
- Ayandehban (2018). **Ayandehpajoohi Iran 2018**. Tehran: digital publication. <http://www.ayandeban.ir/>
- Dini Turkamaani, Ali (2006). **“Explaining the decline of social capital”**. *Social Welfare Quarterly*, 6(23): 147-172.
- Eitzen, D.S.; M.B. Zinn & K.E. Smith (2012). **Social Problems**. Census Update, 12 eddition, Pearson Education, Inc.
- Feizolahi, Ali & Khalil Kamarbigi (2020). **Reasons for the prevalence of hypocritical actions**. General Organization of Culture and Islamic Guidance of Ilam Province.
- Ghaffari, Gholamreza (2008). **“Social Capital and Crime Prevention”**. *Proceedings of the First Conference on Crime Prevention*. Tehran: Office of Applied Research, 289-263.
- Habibi, Yadollah; Yavar Eivazi & Ebrahim Moazami Goodarzi (2017). **“Cultural Problem and Cultural Problemology of Iran”**. *Journal of Culture at Islamic University*, 7(4): 525-550.

- Hezar Jaribi, Jafar & Sajjad Moradi (2017). “**Citizens' understanding of the meanings and definitions of happiness**”. *Quarterly Journal of Welfare Planning and Social Development*, 8(33): 79-137.
- Hofstede, G.; G.J. Hofstede & M. Minkov (1991). **Cultures and Organizations**. Software of the Mind, Mc Graw Hill Companies, Inc.
- Kornblum, W.; J. Joseph & C.D. Smith (2012). **Social Problems**. Fourteenth ed, Pearson.
- Ministry of Interior (2015). **Measuring the social capital of the country: Ilam province**. National Center for Social Monitoring, Research Institute of Culture, Arts and Communications, Office of National Plans.
- Ministry of Interior (2015). **Situation of social problems and injuries in Ilam province**. National Center for Social Monitoring, Research Institute of Culture, Arts and Communications, Office of National Plans.
- Moeidfard, Saeed (2015). **Sociology of Social Problems in Iran**. Hamedan: Noor Alam Publications, Fourth Edition.
- Mohseni, Manouchehr (1997). “**Attitudes and social and cultural behaviors in Iran**”. *Journal of Research Index*, 1(2): 26-29.
- Mooney, L.A.; D. Knox & C. Schacht (2012). **Understanding Social Problems**. Seventh Edition, Wadsworth, Cengage Learning.
- Mousavi, Mirtaher (2006). “**Social participation is one of the components of social capital**”. *Journal of Social Welfare*, 6(23): 67-92.
- Nazemi, Amir & Ruhollah Ghadiri (2006). **Futurism from Concept to Execution**. Tehran: Center for Modern Industries.
- Parrillo, V.N. (2005). **Contemporary Social Problems**. Pearson Education, 6<sup>th</sup> ed.
- Rafiei, Hassan; Saeid Madani Ghahfarkhi & Maroueh Vameghi (2008). “**Social problems in the priority of Iran**”. *Iranian Journal of Sociology*, 9(1-2): 184-208.
- Ritchey, T. (2013). “**Wicked Problems: Modelling Social Messes with Morphological Analysis**”. *Acta Morphologica Generalis*, 2(1): 1-8.
- Robington, E. & M. Weinberg (2004). **The Study of Social Problems Seven Perspectives**. Translated by Rahmatollah Sedigh Sarvestani. Tehran: University of Tehran Press, second edition.
- Rowe, G. & G. Wright (1999). “**The Delphi technique as a forecasting tool: issues and analysis**”. *International Journal of Forecasting*, 15(1): 353-375.
- Saidaei, Sayed eskandar; Mohammad Ali Ahmadi Shapoorabadi & Hossein Moeinabadi (2009). “**An Introduction to Social Capital and Its Relationship with the Components of Development in Iran**”. *Journal of Rahborde Yas*, 6(19): 188-225.
- Schein, E. (1992). **Organizational Culture and Leadership**. 2th edn. San Francisco: Jossey-Bass.

- Serwer, A. (2009). "The Decade from Hell". *Time* (December 7): 30-38.
- Stolley, K.S. (2005). **The Basics of Sociology**. Greenwood Press.
- Story, V.; L. Hurdley, G. Smith & J. Saker (2001). "Methodological and Practical Implications of the Delphi Technique in Marketing Decision Making: A Re-assessment". *The Marketing Review*, 1(4): 487-504.
- Thio, A. (2005). **Sociology: A Brief Introduction**. sixth edition, Allyn & Bacon.

